



ترس آمریکا و صهیونیستها از ژئوپلیتیک شیعی جمهوری آذربایجان

فلسفه و کلام :: درس‌هایی از مکتب اسلام :: آبان ماه 1389 - شماره 8، سال 50
از 58 تا 65

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/891235>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 28/03/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

ترس آمریکا و صهیونیست‌ها از ژئوپلتیک شیعی جمهوری آذربایجان^(۱)

موضوع هلال شیعی و جلوگیری از شکل‌گیری آن به اولویت‌های اصلی آمریکا، اسرائیل و برخی کشورهای منطقه تبدیل شده است؛ به طوری که در تحلیل‌ها پس از عراق، از جمهوری آذربایجان به عنوان دومین هدف در این زمینه یاد می‌شود.

در این میان جمهوری آذربایجان به سبب جایگاه خاص آن در ژئوپلتیک شیعه، یکی از اهداف اصلی آمریکا، اسرائیل و برخی دولت‌های عربی برای نفوذ در آن و ممانعت از افزایش پیوستگی‌های این کشور با دیگر جغرافیاهای شیعه بوده به نحوی که در برخی تحلیل‌ها بعد از عراق، از جمهوری آذربایجان به عنوان دومین هدف اولویت‌دار در این زمینه یاد می‌شود.

صرف نظر از بودگی و امکان تحقق این مسأله، آمریکا و اسرائیل با ابراز نگرانی بیش از پیش، از خطر اتحاد شیعیان و بهانه کردن این موضوع سعی در همراه کردن دیگر کشورها برای تأمین منافع توسعه‌طلبانه خود دارند.

۱. نشریه اجتماعی-فرهنگی «بعثت»، سال سی و یکم، شماره ۱۰.

شدیدتر و عمیق‌تر از جنایت تزارها بود. در مدت بیش از ۷۰ سال حاکمیت ایدئولوژی کمونیسم، نسلی در آذربایجان و سایر نقاط اتحاد جماهیر شوروی به وجود آمد که تا حدود زیادی با دین و مذهب بیگانه بود. پس از فروپاشی شوروی، به رغم اشتیاق همراه با حس نوستالژیک قوی مردم جمهوری

۹۷ درصد جمعیت مسلمان - که از این میزان بیش از ۷۰ درصد دارای مذهب شیعه هستند - از دیرباز و در پیوند با مناطق آذری‌نشین شمال غرب ایران پایگاه مهمی برای مذهب شیعه محسوب می‌شد. با جدایی این سرزمین از خاک اصلی کشور ایران در دوران قاجار، در ابتدا مردم این مناطق تحت فشار سیاست‌های ضد اسلامی و مسیحی روسیه تزاری بودند. آزار و اذیت شیعیان به ویژه روحانیت در آن زمان، برگ‌های سیاه تاریخ امپراتوری تزار روس شمرده می‌شود. مقاومت‌های مردم در سرزمین آذربایجان و نیز تغییر سیاست امپراتوری تزار در برهه‌ای از تاریخ که به سبب رویارویی با امپراتوری عثمانی سنی مذهب، تزارها دست از سرکوب مذهبی شیعیان آذری برداشتند، به پایداری مذهب شیعه منجر شد تا این که دومین ضربه به مذهب شیعه در دوران سلطه نظام کمونیستی وارد شد. ضربه‌ای که

جمهوری آذربایجان با دارا بودن ۹۷ درصد جمعیت مسلمان - که از این میزان بیش از ۷۰ درصد دارای مذهب شیعه هستند - از دیرباز و در پیوند با مناطق آذری‌نشین شمال غرب ایران پایگاه مهمی برای مذهب شیعه محسوب می‌شد. با جدایی این سرزمین از خاک اصلی کشور ایران در دوران قاجار، در ابتدا مردم این مناطق تحت فشار سیاست‌های ضد اسلامی و مسیحی روسیه تزاری بودند

آذری از جهان اسلام و امیدبستن
غیرواقعی به جهان سکولار غرب است،
فشار زیادی بر مذهب شیعه در این
کشور وارد کرده است.

در کنار رواج اندیشه سیاسی
سکولار که منشأ آن از مناسبات گسترده
آذربایجان با غرب و کشور ترکیه است،
نوعی گرایش به سمت کشورهای
سازشکار عربی مانند اردن، عربستان
سعودی، پاکستان و امارات متحده عربی
نیز در سیاست خارجی جمهوری
آذربایجان مشاهده می‌شود.

مشخصه دیگر این کشورها،

هم‌سویی سیاست‌های آن‌ها با غرب و
آمریکاست. هرچند جمهوری
آذربایجان در کنار این مناسبات، با ایران
و کشورهای هم‌راستایی در
سیاست‌های منطقه‌ای با ایران دارند
مانند ترکیه و سوریه نیز روابط درخور
توجهی دارد، ولی مسأله اینجاست که
توسعه روابط با کوبا کشورهای
سازش‌کار عرب در کنار حمایت‌های

آذربایجان نسبت به احیای ارزش‌های
دینی مذهب تشیع و پیوند عاطفی با
ایران، وقوع جنگ قره‌باغ و نفوذ غرب
در این کشور، مانع از این شد که این
علاقه وافر توده مردم به مثابه فرصتی
طلایی، زمینه‌ساز توسعه مناسبات و
پیوند با ایران شود و در این میان
شیعه‌گری آذربایجان از کانون
سیاسی-اجتماعی شیعه‌گری دور ماند و
تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه
بسیار اندک بود و نتیجه لازم را در پی
نداشت.

پویایی و عدم پویایی شیعی در
آذربایجان

در سال‌های اخیر که به رغم
تلاش‌های صورت گرفته، مناسبات
ایران و جمهوری آذربایجان نتوانسته
شکل واقعی خود را یافته و به حد مورد
انتظار برسد، سیاست‌های ضددینی
دولت جمهوری آذربایجان که به نوعی
بازتاب سرخوردگی‌های سیاست‌مداران

اسلام سیاسی هستند. از این رو طبیعی است که آمریکا و اسرائیل به تقویت نظام‌های سیاسی سازشکار در دنیای اسلام بپردازند و حتی از این طریق سعی در تضعیف دولت‌ها و گروه‌های طرفدار اسلام ناب داشته باشند.

اما آنچه آمریکا و اسرائیل را بیش از پیش نگران می‌کند، همگرایی

آمریکا از این مناسبات و نیز نزدیکی باکو و تل‌آویو این فرض را تقویت می‌کند که غرب، اسرائیل و دولت‌های عربی طرفدار آمریکا به دنبال نفوذ و ایجاد پایگاه سیاسی-اجتماعی در منطقه شیعی و استراتژیک قفقاز هستند.

آنچه مسلم است این است که دنیای غرب به ویژه آمریکا و اسرائیل از

اسلام ناب به سبب

نگرش‌های راهبردی

ایران و لبنان و نیز

تحركات نوپای

شیعیان در عراق به

مراتب بیشتر از

اسلام ترویج شده

توسط دولت‌های

باید به این نکته اساسی توجه داشت که جمهوری آذربایجان در موقعیتی قرار دارد که برای کشوری مثل ایران نمی‌تواند حالت خنثی داشته باشد. ایران باید یکی از دو گزینه جذب جمهوری آذربایجان به طرف خود (حتی در صورت داشتن مناسبات گسترده با غرب) و یا رها کردن این کشور در دل ساختارهای سیاسی-امنیتی غرب و بلوک ضدایرانی را انتخاب کند.

نظام‌های شیعی و سنی در منطقه است که محافل غربی و برخی دول عربی با پیش کشیدن خطر هلال شیعی، سعی در مقابله با آن دارند و افزون بر تقویت گرایش‌های ضدشیعی در جهان اسلام، به انشقاق در جغرافیای سیاسی شیعه

عربی مثل عربستان و مصر هراس دارند. حکومت‌های دیکتاتوری عربی مانند عربستان سعودی و اردن در سازگاری با سیاست‌های آمریکا و نوعی همراهی غیرمستقیم با اسرائیل هستند و یا مانند ترکیه کنونی به دنبال قرائت جدید از

نیز دست می‌یازند.

در این میان جمهوری آذربایجان به سبب جایگاه خاص در ژئوپلیتیک شیعی همواره مد نظر این دو کشور است. جمهوری آذربایجان به سبب هم‌جواری با ایران و روسیه، موقعیت مکانی ممتاز در کرانه دریای خزر و ذخایر غنی هیدروکربن، هدف خوبی برای واشنگتن و تل‌آویو محسوب می‌شود. شاید بتوان گفت آذربایجان بعد از عراق دومین هدف اولویت‌دار غرب در این زمینه است. برخی از محورهای برنامه آمریکا و هم‌پیمانانش برای مقابله با تکمیل خانه‌های پازل ژئوپلیتیک شیعی که جمهوری آذربایجان قطعه مهمی در این زمینه به شمار می‌رود، عبارتند از:

- رواج ایران‌هراسی و بیم از حاکمیت اسلام سیاسی و دولت دینی در منطقه.

- ترویج اختلافات قومی و نژادی بین شیعیان کشورهای مختلف و

زمینه‌سازی شکل‌گیری هویت‌های شیعی قوم‌مدار و ظهور مفاهیمی چون شیعه فارس، شیعه ترک و شیعه عرب در امت شیعی.

- ترویج نظام سیاسی سکولار در کشورهای شیعی.

- انجام فعالیت‌های مسیونری برای تضعیف باورهای اسلامی جوامع شیعی توسط نهادهای غیردولتی غربی که اغلب با پوشش فعالیت‌های آموزشی در زمینه‌های حرفه‌ای و علمی صورت می‌گیرد.

- تأثیر دولت‌های وابسته به آمریکا که برخی نظیر عربستان سعودی در پی نفوذ فرقه وهابیت در این کشور هستند. با اوصاف گفته شده، در شرایط

کنونی، شیعه‌گری در جمهوری آذربایجان - که به رغم بسترهای مناسب توانسته به صورت گفتمان غالب در سیاست و جامعه این کشور درآید - از سوی عوامل زیر تحت فشار است:

- نظام سیاسی غیردینی و توتالیتر

جغرافیایی از پاکستان تا دریای مدیترانه و از کوه‌های قفقاز تا خلیج فارس می‌توان ژئوپلیتیک نو ظهور و محتاز قرن ۲۱ نامید که سبب ایجاد تحولات بنیادین در ترتیبات برخی مناطق جهان به ویژه خاورمیانه، قفقاز جنوبی و مدیترانه خواهد شد. این تحولات، فرصت‌های زیادی را پیش روی بازیگران منطقه‌ای قرار می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران در صورت استفاده صحیح و به موقع از این فرصت‌ها می‌تواند بزرگ‌ترین برنده این دگرگونی‌ها باشد. اما جمهوری آذربایجان که یکی از پتانسیل‌های اصلی برای شکل‌گیری ژئوپلیتیک شیعی است، با ادامه روند کنونی، به جای هم‌افزایی و تقویت جهان شیعی به عاملی در جهت تضعیف جریان همگرایی اسلامی-شیعی و منطقه‌ای تبدیل خواهد شد. در این میان، مناقشه قره‌باغ به عنوان کلید اصلی تصمیمات استراتژیک مقامات باکو تلقی می‌شود و

در کشور که محدودیت‌های زیادی برای آزادی‌های دینی جامعه ایجاد می‌کند. - وجود یک الگوی پذیرفته شده خارجی به نام جامعه ترکیه. در این زمینه گفتنی است که اسلام‌گرایی و شیعه‌گری در ترکیه هیچ‌گاه به هم پیوند نخورده‌اند. شیعیان ترکیه (علویان) عمدتاً طرفدار لائیسزم هستند و دین‌باوری آن‌ها بیشتر شکل و شمایل طریقت‌گرایی دارد. هرچند رویکردهای گشایش‌محور در دولت کنونی ترکیه باعث همگرایی شیعه و سنی در جامعه می‌شود ولی تا تحقق این امر فاصله زیادی هست.

تأثیر فرهنگی غرب که به جهت ضعف ساختارهای اجتماعی به جای مانده از تسلط کمونیسم، کارکرد اساسی در هویت‌بخشی نوین جامعه آذربایجان دارد.

- سوء تفاهات ساختگی با ایران.

ارزیابی و نتیجه‌گیری

ژئوپلیتیک شیعی را با گستره

جمهوری آذربایجان به طرف خود (حتی در صورت داشتن مناسبات گسترده با غرب) و یا رها کردن این کشور در دل ساختارهای سیاسی-امنیتی غرب و بلوک ضدایرانی را انتخاب کند.

در این خصوص علاوه بر روابط و مناسبات رسمی و بین دولتی، نقش نهادهای مدنی غیردولتی و رسانه‌ها بسیار مؤثر است که در مورد اخیر تاکنون این نقش عمدتاً کارکرد منفی در نزدیکی دو کشور داشته است. رسانه‌های دو کشور باید دست به بازتعریفی مناسب از جوامع دو کشور بزنند. رسانه‌ها و محافل ایرانی باید این جمهوری را به عنوان یک کشور مستقل دارای حق حاکمیت بر تمامیت ارضی خود و با نام رسمی آن بشناسند و رسانه‌های آذری نیز باید به این واقعیت برسند که با طرح مسایل تفرقه‌انگیز قومی و ارایه تصویری افراطی از سیاست‌های دینی ایران طرفی نخواهند بست.

آمریکایی‌ها دقیقاً با استفاده از همین کلید، به پی‌ریزی هم‌پیمانی -که خودشان آن را استراتژیک می‌نامند-، دست زده‌اند و اکنون که با توخالی درآمدن وعده‌های غربی و برآورده نشدن انتظار آذری‌ها از دنیای غرب، نوعی خلأ در مناسبات آذربایجان و غرب مشاهده می‌شود، فرصت مناسبی برای سایر کشورها است تا دایره نفوذ خود در این جمهوری ثروت‌مند شیعه را گسترده‌تر و عمیق‌تر نمایند.

شواهد حکایت از این دارد که روسیه در این زمینه دست به اقدامات مؤثری زده است ولی از سوی ایران اقدام اساسی که تاکنون منجر به نتیجه روشنی شده باشد، دیده نشده است.

باید به این نکته اساسی توجه داشت که جمهوری آذربایجان در موقعیتی قرار دارد که برای کشوری مثل ایران نمی‌تواند حالت خنثی داشته باشد. ایران باید یکی از دو گزینه جذب

دانست. ایران در این زمینه می‌تواند مانند ترکیه نقشی تأثیرگذار و تسهیل‌کننده داشته باشد.

قدر مسلم این است که جغرافیای سیاسی نوین شیعه در دنیا شکل گرفته و ایران نمی‌تواند و نباید از فرصت‌های این جغرافیای نوین غافل شود. اکنون برای همگرایی بین اجزای این جغرافیا باید روش‌های قبلی را کنار نهاد و در کسوت یک قدرت محور و عامل مرکزی در شکل‌گیری این قدرت منطقه‌ای ظاهر شد. البته این به معنای نادیده انگاشتن وحدت شیعه و سنی در جهان اسلام نمی‌باشد و ایران باید همچنان ضمن حفظ محوریت در جهان تشیع، نقش اول را در راستای گسترش تقریب بین مذاهب اسلامی ایفا کند تا به مرور دست آمریکا و اسرائیل از جامعه اسلامی کوتاه شود.

دیپلماسی رسمی کشور نیز باید در عرصه‌های اختلافی نظیر رژیم حقوقی دریای خزر با نگاه گشایش‌محور به تعامل پردازد و در حوزه‌هایی چون مناقشه قره‌باغ، ایران می‌تواند به سبب روابط اقتصادی راهبردی با ارمنستان، در تن دادن این کشور به قطعنامه‌های شورای امنیت و توافقات پیشین مؤثر باشد و با توجه به رضایت آذربایجان به میانجی‌گری ایران، از این طریق وارد فرایند حل مناقشه قره‌باغ که گرگاه صلح و ثبات و امنیت در قفقاز جنوبی است، بشود. فرایندی که حضور مؤثر در آن، حق مسلم ایران است. البته مخالفت گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا به مثابه نهاد کهنه‌شده غربی با ورود ایران به این عرصه قابل پیش‌بینی است.

از این رو ایران را نباید منحصر به عضویت رسمی در گروه‌های میانجی‌گر